

# آسیب پذیری های سیاسی، جمعیت شناختی و اقتصادی ایران

نویسندگان:

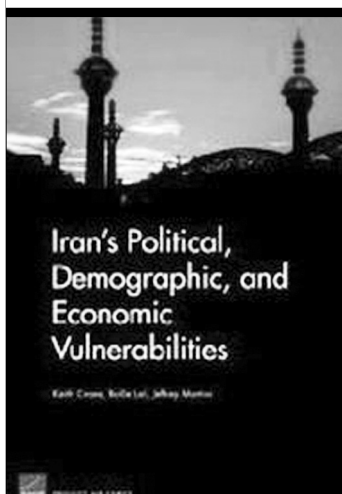
کیت کرین، رولی لال، جفری مارتینی

معرفی و نقد: روح... قادری کنگاوری\*

تاریخ دریافت: ۱۳۸۷/۱۲/۱

تاریخ تأیید: ۱۳۸۸/۱/۳۰

Keith Crane, Rollie Lal, Jeffrey Martini; Iran's Political, Demographic, and Economic Vulnerabilities, rand, 2008, 130pp.



ارتش، طرح و برنامه، ستاد فرماندهی نیروی هوایی ایالات متحده مورد حمایت و پشتیبانی قرار گرفته و در چارچوب برنامه راهبرد و دکترین (آموزه) پروژه نیروی هوایی در مؤسسه رند به اجرا درآمده است. این تحقیق بر اساس پروژه سال مالی ۲۰۰۵ با عنوان نقش نیروی هوایی ایالات متحده در

آینده خاورمیانه به اجرا درآمد و در سال ۲۰۰۷ روزآمد گردید. ناگفته نماند پروژه نیروی هوایی رند PAF که بخشی از مؤسسه رند میباشد، پژوهش نیروی هوایی ایالات متحده است که به وسیله دولت مرکزی تأمین مالی گردیده و مرکز توسعه مطالعات و تحلیل می باشد. پروژه نیروی هوایی رند تحلیل مستقل بدیل های سیاسی که توسعه، اشتغال، آمادگی نبرد، و پشتیبانی از نیروهای هوا - فضای کنونی و آینده را تحت تأثیر قرار می دهد، در اختیار نیروی هوایی می گذارد. این پژوهش در چهار برنامه به اجرا درآمده است: توسعه نیروی هوا-فضا؛ نیروی انسانی، کارکنان و آموزش؛ مدیریت منابع؛ و راهبرد و دکترین.

## مقدمه

این کتاب یک تک نگاری در مورد آسیب پذیری های ایران است. حجم آن حدود ۱۳۰ صفحه می باشد و در سال ۲۰۰۸ منتشر شده است. اصل کتاب برای کمک به شناسایی آسیب پذیری های ایران در مقابل اقدامات بالقوه آمریکا تدوین گردیده و در نظر دارد پیچیدگی های سیاسی ایران، آسیب پذیری ها و چالش های نظام در حوزه های مختلف جمعیتی، اقوام، اقتصاد و... را مورد بررسی و تحلیل قرار دهد. همچنین کتاب بر پایه این تحلیل ها، مجموعه توصیه های سیاسی به دولت آمریکا در خصوص نحوه برخورد و تعامل با ایران را ارائه می نماید.

این اثر به تحلیل گران و سیاستگذاران جهت ارزیابی آسیب پذیری های سیاسی، جمعیت شناختی و اقتصادی ایران به منظور تدابیر سیاسی بالقوه ایالات متحده، کمک می نماید. این مطالعه، پیچیدگی ها و آسیب پذیری های سیاسی حکومت ایران را به دقت مورد بررسی قرار داده، تنش های قومی و جمعیت شناختی و همچنین تحولات اقتصادی اخیر و مسیرهای بالقوه رشد اقتصادی آینده ایران را مورد ارزیابی قرار می دهد. کتاب با مجموعه توصیه های سیاسی برای حکومت ایالات متحده بر اساس این تحلیل به پایان می رسد. اثر مذکور بخشی از پژوهش در دست اقدام مؤسسه رند در مورد ایران و خاورمیانه است.

پژوهش مذکور از سوی معاون رئیس ستاد مشترک

\* دانشجوی دوره دکتری تخصصی روابط بین الملل دانشگاه تهران

۱. RAND PROJECT AIR FORCE، یک مؤسسه مستقل غیر انتفاعی که در سال ۱۹۴۸ تأسیس یافته و از طریق پژوهش و تحلیل به بهبود سیاست عمومی کمک می کند.

**هدف**

در آن مشخص نیست، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. همچنین تشریح شده که چگونه شرایط سیاسی، جمعیتی و اقتصادی ممکن است کارآمدی و تأثیر بخشی این گونه سیاست های آمریکا را محدود سازد. این کتاب در پایان، برخی سیاست ها را برای آمریکا پیشنهاد می کند؛ سیاست هایی که احتمالاً می تواند از آسیب پذیری های ایران، که واقعات این کشور تحمیل کرده اند، بهره برداری کند.

فصل بعدی، نظام سیاسی و بازیگران سیاسی در ایران را مورد بررسی قرار می دهد و نقاط قوت و ضعف این حکومت را بیان می کند. چگونگی تصمیم گیری درباره سیاست ها، میزان مشارکت مردم در روند سیاسی، راه های مخالفت و توانمندی نهادهای حکومتی در حل و فصل رقابت ها برای قدرت و امکانات را مورد تحلیل قرار داده است. در ایران، نهادهای حکومتی موازی، راههایی را تعبیه می کنند که از طریق آن، ایرانی ها می توانند ملاحظات سیاسی خود را مطرح کنند. این نهادها، قدرت سیاستگزاری را در میان طیف وسیعی از بازیگران توزیع کرده اند. در این فصل بررسی می شود که چگونه این ابعاد منحصر به فرد نظام سیاسی ایران، آسیب پذیری های سیاسی ایران را تشدید و تعدیل می کند.

فصل سوم، نقش مذهب و قومیت را در ایران بررسی می کند، زیرا این دو عامل هم بر سیاست داخلی و هم بر سیاست خارجی تأثیر می گذارد. ایران به لحاظ قومی بسیار متنوع است و فارس ها به سختی نصف جمعیت ایران را تشکیل می دهند. به لحاظ تاریخی، حکومت های ایران این تنوع قومی را به عنوان چالشی در برابر وحدت ملی تلقی کرده اند. جهت مقابله با شکاف های قومی، رژیم کنونی کوشیده تا یک حس هویت ملی ایرانی را که مکمل (اگر نگوئیم جایگزین) هویت های قوم محور باشد، تقویت کند. این حکومت و حکومت های پیشین ایران، از ترکیب غالباً شیعی ایران به منظور ایجاد یک منبع مذهبی قوی برای هویت ملی کمک گرفته اند. این حکومت ها در این راستا به برخی موفقیت ها دست یافته اند، اما گروه های اقلیت بزرگ تر هنوز این توانمندی را دارند که تحولات سیاسی را به طرز چشمگیری تحت تأثیر قرار دهند و گاهی اوقات، سیاست های رژیم را به چالش بکشند.

هدف اصلی این نوشته، شناسایی فرصت هایی برای سیاستگذاران آمریکا جهت تحت تأثیر قرار دادن رفتار ایران در راستای کسب منافع ملی بیشتر و همچنین ارزیابی پیامدهای احتمالی ناشی از اقدامات نظامی آمریکا علیه این کشور در داخل می باشد. نوشته مذکور همچنین محدودیت های محتمل تأثیر برخی سیاست ها با توجه به شرایط سیاسی، جمعیت شناختی، و اقتصادی کنونی را مشخص می سازد. این اثر با توصیه و ارزیابی تأثیر محتمل سیاست های آتی آمریکا که ممکن است از این آسیب پذیری ها بهره برداری کند، به پایان می رسد.

**رویکرد پژوهش**

این کتاب از مجموعه بزرگی از ادبیات قوم نگاری، سیاسی و اقتصادی استفاده کرده است. در بخش سیاسی، بیانیه های رسمی را مورد ارزیابی قرار داده و از مطالعات منتشر شده و رصد وبلاگهای ایرانی جهت تحلیل گفتمان سیاسی موجود کمک گرفته است. در بخش جمعیت شناختی، از مطالعات ایرانی و غربی و پیش بینی های جمعیتی اداره آمار آمریکا در مورد ایران استفاده کرده است. در بخش تحولات و سیاست های اقتصادی، اطلاعات اولیه را از بانک مرکزی ایران و اطلاعات در مورد ایران را از صندوق بین المللی پول استخراج کرده است. در همه موارد، حوزه هایی را که ایران با مشکلات، فشارها یا دیگر آسیب پذیری ها مواجه می باشد، معرفی و هم چنین عمق آنها را شناسایی کرده است. سپس کارآیی تدابیر حکومت ایران جهت کاهش این آسیب پذیری ها را ارزیابی نموده است.

**سازماندهی**

این اثر، به تشریح فرصت های فراروی سیاستگذاران آمریکایی در جهت تأثیرگذاری بر رفتار ایران آنهم در راستای منافع آمریکایی پردازد و پیامدهای داخلی احتمالی در نتیجه اقدامات نظامی علیه ایران را ارزیابی می کند. بر این اساس در فصل اول، ابتدا آسیب پذیری های رهبران ایران را در محیط های سیاسی، قومی، جمعیتی و اقتصادی ارزیابی می کند. در بررسی هر یک از این موارد، فشارها بر حکومت، جامعه و هویت جایی که توان تأثیرگذاری آمریکا

بهره برداری از این آسیب پذیری ها را مطرح می کند. علاوه بر شرح و بسط این توصیه ها، محدودیت های احتمالی این سیاست ها در تأثیر گذاری بر رفتار ایران را مورد بحث قرار می دهد. لذا با توجه به اهمیت فصل ششم - پیامدهای احتمالی اقدامات نظامی ایالات متحده علیه ایران در داخل - این فصل در ذیل به تفصیل مورد بررسی قرار می گیرد:

### حمله به تأسیسات هسته ای ایران

قابطه ایرانی ها قویاً بر این باورند که ایران به مانند سایر ملل حق دارد تا انرژی هسته ای، از جمله ساخت و فعالیت تأسیسات غنی سازی هسته ای را توسعه دهد. اگر تأسیسات ایران بمباران شود، عموم مردم احتمالاً از هر گونه اقدام متقابل (تلافی) حکومت شان حمایت وسیع و گسترده ای خواهند نمود. در صورت بمباران تأسیسات هسته ای ایران، ایرانی های ثروتمندتر بی درنگ راهی برای انتقال بیشتر ثروت شان به خارج از کشور پیدا می کنند. ایرانی های فقیرتر بیشتر دارایی شان را از دینار به یورو، طلا یا دلار تبدیل می کنند. سرمایه گذاری خصوصی داخلی آسیب می بیند. اما با قیمت کنونی نفت بعید به نظر می رسد که یک حمله، برنامه هسته ای ایران را بتواند متوقف کند. حکومت قادر خواهد بود تا هزینه بازسازی تأسیسات مذکور را تأمین نماید و برنامه کنونی را بدون پیامدهای عمده بودجه ای ادامه دهد.

### واکنش به دخالت ایران در عراق

اگر اقدامات تلافی جویانه علیه عوامل ایرانی، محدود به عراق باشد؛ بعید به نظر می رسد که واکنش زیادی را از سوی عموم مردم برانگیزد. موانع اساسی در داخل عراق ممکن است رهبران ایران را ترغیب کند تا تلاش هایشان را کاهش دهند. از طرف دیگر، سرویس های اطلاعاتی ممکن است بر شکست هایشان سرپوش بگذارند، و به فعالیت های کنونی شان ادامه دهند. در مقابل، حمله تمام عیار به ایران خصوصاً زیادی را به وجود خواهد آورد و از نظر ما، بعید به نظر می رسد که سیاست ایران را تغییر دهد. واکنش اولیه رهبری کنونی ایران احتمالاً تشدید فعالیت های پنهان علیه نیروهای ایالات متحده در عراق و جاهای دیگر خواهد بود.

فصل چهارم، تغییرات در فشارهای جمعیتی ایران را مورد بررسی قرار می دهد. از یک سو، نرخ زاد و ولد کاهش یافته است که این مسئله فشار برای ساخت مدارس جدید را کاهش و آمادگی برای موج فزاینده کودکان را افزایش می دهد. از سوی دیگر، کودکانی که در اوج زاد و ولد دهه ۱۹۸۰ به دنیا آمده اند، هم اکنون وارد دوران بزرگسالی شده و متقاضی کار می باشند. تا سال ۲۰۱۷، حکومت ایران کماکان با فشارهای شدید جهت ایجاد فرصت های شغلی بیشتر برای این گروه مواجه خواهد بود.

در فصل پنجم، چالش های عمده سیاست اقتصادی حکومت ایران که تا سال ۲۰۱۷ با آن مواجه می باشد، تشریح شده است. حکومت ایران باید به طور مؤثر از این دوره قیمت های بالای نفت در بازار جهانی و افزایش اخیر در تولید نفت ایران، جهت تسریع افزایش درآمدها و فرصت های اشتغال استفاده کند. به طور همزمان، حکومت باید منابع صادرات و درآمدهای مالیاتی را تنوع بخشد تا کمتر به نوسانات بازار جهانی نفت متکی باشد. ما میزان وابستگی ایران به نفت و توان این کشور برای کاهش این آسیب پذیری را ارزیابی می کنیم.

عملکرد ضعیف اقتصاد ایران، منبع نارضایتی همگانی بوده است. در دوران دولت خاتمی، تغییرات در سیاست اقتصادی سبب افزایش نرخ رشد اقتصادی به ویژه در بخش های غیرنفتی و رشد سریع تر بخش خصوصی نسبت به بخش دولتی شد. در دوران دولت احمدی نژاد، این اقدامات برای آزادسازی اقتصادی، احتمالاً کندتر (اگر نگوئیم بدتر) شده است. از آنجا که شمار زیادی از جوانان ایرانی به صفوف نیروی کار جویای شغل وارد می شوند، شکست در کاهش آشفته گی های اقتصادی، بهبود سیاست اقتصادی و تسریع رشد، نارضایتی اقتصادی را تشدید خواهد کرد. فصل پنجم با ارزیابی مسیر احتمالی آینده اقتصاد ایران و احتمال افزایش درآمد سرانه هم در چارچوب سیاست هایی که احتمالاً دولت احمدی نژاد دنبال می کند و هم در چارچوب سناریوی خوشبینانه تری که در آن اصلاحات سیاست اقتصادی در دوران خاتمی دوباره استمرار می یابد، به پایان می رسد.

فصل ششم، آسیب پذیری های اصلی فراروی حکومت ایران را جمع بندی نموده و سیاست های آمریکا برای

**بلوکه کردن صادرات نفت ایران**

بلوکه کردن (محاصره) جزیره خارک، یعنی پایانه اصلی بارگیری نفت ایران، یا تنگه هرمز جهت جلوگیری از ارسال محموله های نفت ایران به طور مؤثری اکثر صادرات ایران را متوقف خواهد نمود. حفظ یک محاصره برای حتی چند ماه تأثیر ویران کننده ای بر استانداردهای زندگی و اقتصاد ایران خواهد داشت. نابودی جزیره خارک، ضربه سختی بر اقتصاد ایران تا چندین سال خواهد زد. با این حال یک محاصره، بیش از آنکه سبب تضعیف رژیم شود، حمایت مردمی را از رژیم مستحکم تر خواهد نمود. در طول جنگ ایران و عراق، استانداردهای زندگی کاهش پیدا کرد. با این وجود مخالفت با جنگ کم رنگ بود چون اکثر ایرانی ها پیرامون یک پرچم متحد بودند. به علاوه، چنین محاصره ای، به سبب کاهش عرضه نفت و تشدید نگرانی ها، قیمت نفت را در بازار جهانی افزایش خواهد داد. ایران احتمالاً با حمله به عبور و مرور کشتی های نفتکش در سراسر خلیج فارس واکنش نشان خواهد داد. بسته به این اوضاع و احوال، سایر تولیدکنندگان در منطقه ممکن است از افزایش تولید به خاطر ترس یا همبستگی با ایران خودداری کنند. افزایش ناگهانی قیمت نفت بر روی بازار جهانی به خاطر اختلال گسترده صادرات نفت از خلیج فارس احتمالاً اقتصاد جهانی را دچار رکود خواهد کرد.

**توصیه هایی برای سیاست ایالات متحده**

رژیم ایران در کوتاه مدت، احتمالاً نسبت به فشارهای بیرونی برای تغییر چشمگیر، بالنسبه با ثبات و مقاوم است. اما شرایط اجتماعی برای رابطه سازنده تر با ایالات متحده وجود دارد. برخلاف خاورمیانه عربی، ایالات متحده در ایران محبوب و پرطرفدار است. روندهای بلندمدت حاکی از این است که ایران احتمالاً دموکراتیک تر شده و از خودسری آن کاسته شود.

سیاست های ایالات متحده در مقابل حکومت ایران باید با چنین شرایط ذهنی طراحی شود. اگرچه استراتژی های قهرآمیز ممکن است و می تواند به برخی اهداف سیاسی خاص دست یابد، اما حرکت ایران به سمت یک موضع عموماً همکاری جویانه تر، مستلزم تمرکز بر حمایت از تمایلات و سیاست هایی در جامعه ایران است که توسعه

اقتصادی و آزادی های فردی را تسهیل نماید. به طور کلی، حکومت ایالات متحده فرصت هایی جهت ترغیب ایرانیان، از جمله اعضای گروه های قومی جهت فشار برای آزادی های مدنی گسترش یافته و رویه های دموکراتیک در ایران دارد. ایالات متحده همچنین این توانایی را دارد تا از تغییرات سیاسی که باعث آزادسازی اقتصادی در ایران و در نتیجه احتمالاً تقویت بازیگران غیردولتی (Non-State Actors) می شود، حمایت کند. چنین رویکردی زود به نتیجه نمی رسد، بلندپروازی، نیازمند اعتدال است. تا وقتی که روابط خصمانه باشد، ابتکارات ایالات متحده، بیش از گذشته، نیاز به رفتار ماهرانه تری دارد.

تحت این شرایط، نویسندگان این کتاب نشان می دهند که سیاست ایالات متحده بایستی بر ایجاد شرایط برای روابط مؤثر و کارآمد از اول تا آخر این راه طولانی متمرکز باشد. این گزینه های سیاسی در سه مقوله کلی قابل تقسیم می باشند:

- ۱- تقویت شرایط برای نظام سیاسی کثرت گرایانه تر و دموکراتیک تر، از طریق تعامل با جامعه ایران.
- ۲- تضعیف توانمندی حکومت ایران با هدف در تنگنا قرار گرفتن آن.
- ۳- مجازات حکومت ایران یا مقامات رسمی اش به خاطر تعقیب سیاست هایی که به ایالات متحده آسیب می رساند.

جهت تقویت شرایط برای یک ایران کثرت گرایانه تر، به محض تعدیل سرکوب کنونی در ایران، حکومت ایالات متحده باید سیاست دیپلماتیک عمومی اش را از طرق زیر توسعه دهد:

یافتن برنامه هایی که تماس های میان ایرانی ها و آمریکایی ها را با بلند نظری تسهیل می کند، خصوصاً برنامه هایی که بر روی مبادلات آموزشی (تحصیلی) و امثالهم تمرکز دارد.

ترغیب مقامات رسمی ایالات متحده و اشخاص خصوصی جهت تدارک مصاحبه ها و تفسیرها برای رسانه های ایران، گسترش پخش برنامه های رادیویی مورد حمایت ایالات متحده و برنامه های دیگر به زبان های محلی جهت تصریح اطلاعات بی طرفانه و تریبونی برای مباحثه موضوعات عمده اجتماعی.

ترغیب متحدان ایالات متحده جهت ممنوع کردن اعطای روادید به مقامات رسمی برگزیده ایرانی. در پایان کتاب آمده است که در مورد ایران، حکومت ایالات متحده نیازمند تداوم یک نگاه بلندمدت است، یعنی ارتباط با حکومت کنونی و همزمان حمایت از گفتگو و مذاکره بیشتر میان ایرانی ها و تعاملات و تماس های بیشتر میان ایرانی ها و آمریکایی ها. جوامع و حکومت ها تغییر می کنند. حکومت ایالات متحده تا حدودی توانایی تقویت روندهای مطلوب در ایران را دارد، اما تحقق چنین سیاست هایی نیازمند گذر زمان است.

### نقد و ارزیابی کتاب:

۱. این کتاب پروژه هایی چون مهار (Containment) و تغییر رژیم (Regim Change) ایران را ناکارآمد می داند. لذا پیشنهاد اصلی این کتاب تغییر رفتار ایران (Behavioral Change) از پایین به بالا یعنی تعامل با جامعه ایران با هدف تسهیل و تسریع توسعه اقتصادی و آزادی های فردی، به خصوص با اقلیت های قومی در چارچوب دیپلماسی عمومی از طریق طرح هایی چون فول برایت (Ful bright) (تأمین بودجه تبادلات دانشگاهی) جهت تربیت دانشجویان و تحصیل کرده هایی که دارای تجربیات و احساسات مثبت نسبت به آمریکا باشند؛ تخصیص برنامه های صدای آمریکا به زبان های کردی، آذری، بلوچ، کردی، ترکمن، عربی و...؛ ایجاد تریبون های آزاد در رادیو، مطبوعات و اینترنت جهت بزرگ نمایی مشکلات داخلی ایران همچون افزایش قیمت مسکن، بیکاری، تورم و... می باشد.

۲. این کتاب ایران را پس از عراق و افغانستان در زمره یکی از مهم ترین نگرانی های سیاسی ایالات متحده می داند، که این نگرانی ها به نظر می رسد به خاطر پاره ای اتهامات چون مداخله ایران در عراق، تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته ای، حمایت از تروریسم و... می باشد.

۳. اذعان و اعتراف به نقش محوری ایران در سیاست خاورمیانه و جهان اسلام و همچنین قوی تر بودن نیروهای نظامی و امنیتی ایران نسبت به همسایگانش، از نقاط قابل ملاحظه و مثبتی است که در این کتاب

جهت تضعیف توانمندی حکومت ایران در سرکوب گروههایی که از تکثرگرایی فزاینده حمایت می کنند، حکومت ایالات متحده باید:

بیانیه های سیاسی را که از تغییر رژیم حمایت می کند کاهش دهد. نیروهای امنیتی اغلب از این بیانیه ها به عنوان دستاویزی جهت بازداشت افرادی که به دنبال آزادی بیشتر هستند بهره برداری می کنند.

بازداشتن گروههای قومی از شورش علیه رژیم ایران؛ نیروهای امنیتی ایران قاطعانه نشان داده اند که می توانند گروههای قومی سرکش را کنترل کنند و مخالفت خشونت آمیز با حاکمیت ایران بیش از آنکه موجب تغییر مثبت در سیاست های رژیم گردد، محتمل تر است که نیروهای امنیتی و اجتماعی کنونی را مستحکم می نماید.

حمایت از تلاش های صندوق بین المللی پول و بانک جهانی جهت تشویق مدیریت اقتصادی بهتر در ایران؛ این امر به توسعه حوزه فعالیت بخش خصوصی کمک خواهد کرد.

### عدم مخالفت با الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی WTO

هیچ یک از این تحولات منافع ایالات متحده را تهدید نخواهد کرد یا امتیازی به ایران برای رفتاری مغایر با منافع ایالات متحده نخواهد بود. با این وجود در بسیاری موارد، حکومت ایران یا مقامات رسمی اش، سیاست های خصمانه ای را نسبت به ایالات متحده دنبال کرده اند. جهت ممانعت از تعقیب چنین فعالیت هایی و محدود نمودن منابع جدید درآمدی برای خزانه حکومت ایران، حکومت ایالات متحده باید:

به تحریم فناوری های گدازش گاز و تبدیل گاز به مایع (gas liquefaction and gas-to-liquids technologies) که احتمالاً جلوی توسعه گاز طبیعی ایران برای صادرات را می گیرد ادامه دهد؛ تحریم به عنوان بخشی از یک معامله و چانه زنی تا زمان کسب اطمینان از اینکه سیاست های ایران با منافع ایالات متحده هماهنگ تر شده، مورد استفاده قرار خواهد گرفت.

توسعه طرح های احتیاطی جهت مسدود نمودن حساب های خارجی ایران.

فارس نسبت به این امر واکنش نشان می دهد، که نتیجه طبیعی و منطقی این امر افزایش قیمت نفت در بازار جهانی و لذا رکود اقتصاد جهانی خواهد بود. تجربه ۸ سال دفاع مقدس نیز مؤید این موضوع است.

۸. به طور کلی تحلیل کتاب مبتنی بر دو پیش فرض باطل و مردود است:

الف) محبویت آمریکا در میان مردم ایران و ب) تلاش ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته ای؛ سیاست های ایالات متحده در مقابل حکومت ایران با چنین شرایط ذهنی کاذب و غیر واقع بینانه ای طراحی شده است.

۹. با توجه به اینکه از نظر نویسندگان این کتاب تنها جایی که توان تأثیر گذاری آمریکا در آن مشخص نیست، هویت می باشد. لذا می بایستی نسبت به تقویت هویت ملی و اسلامی شهروندان ایرانی به خصوص اقلیت های قومی بیشتری حساسیت را روا داشت.

۱۰. به نظر می رسد با توجه به اینکه کتاب مذکور در برگیرنده دیدگاه و طرز تلقی آمریکایی ها نسبت به مسائل امنیت داخلی ایران بوده و همچنین حاوی توصیه های سیاسی برای دولت آمریکا است، لذا شناخت ما را از دشمن و از خود با نگاه بیرونی، عمیق تر و روزآمدتر خواهد نمود.

۱۱. ناگفته نماند که یکی از اشتباهات فاحش این کتاب این است که واحد پول جمهوری اسلامی ایران را "دینار!!" و نه "ریال" فرض نموده است. این خطای محرز اگر عمدی است بیانگر درک حداقلی و اگر سهوی است حاکی از بی توجهی حداکثری دشمن است.

جهت اطلاع سیاستگزاران و تصمیم گیرندگان آمریکا بارها بدان اشاره شده است. همچنین استدلال می شود که با توجه به اینکه ایران یکی از دموکراتیک ترین نظام های منطقه است، در معرض هیچ خطر قریب الوقوع فروپاشی یا کودتا نیست.

۴. این کتاب چنین استدلال می کند که کاهش شدید قیمت نفت و به دنبال آن کاهش ذخائر ارزی ایران فرصت مناسبی برای حمله به تأسیسات هسته ای ایران از سوی اسرائیل با حمایت غربی ها و به خصوص ایالات متحده آمریکا می باشد. چون ایران برای بازسازی تأسیسات هسته ای با مشکل تأمین مالی مواجه خواهد بود. البته با قیمت کنونی نفت یک حمله بعید به نظر می رسد که برنامه هسته ای ایران را متوقف کند. حکومت قادر خواهد بود تا هزینه بازسازی تأسیسات مذکور را تأمین نماید و برنامه کنونی را بدون پیامدهای عمده بودجه ای ادامه دهد.

۵. همانطور که نویسندگان این کتاب بدان اذعان می نمایند شکاف های قومی هم چنان در ایران وجود دارند، اما ابزار مناسبی در زمینه فشار آوردن بر رهبران ایران نیستند. این امر حاکی از این واقعیت است که مذهب و ناسیونالیسم ایرانی به عنوان یک نیروی وحدت بخش می بایستی بیش از پیش تقویت گردد. البته به سردمداران آمریکا پیشنهاد می شود که با توجه به اینکه دو عامل "مذهب" و "قومیت" بیش از هر عامل دیگری در سیاست داخلی و خارجی ایران تأثیر گذار است، از این دو عامل جهت پیشبرد سیاست های خود غافل نمانند.

۶. این کتاب، "تورم" و "بیکاری" را دو مشکل جدی ایران در عرصه داخلی می داند. تعداد جوانانی که وارد بازار کار می شوند، به چهار - پنج برابر دو دهه گذشته افزایش یافته است. تورم همچنان بسیار بالا و دو رقمی است.

۷. نویسندگان کتاب چنین تحلیل می کنند که هر گونه اقدام نظامی آمریکا در محاصره جزیره خارک و تنگه هرمز جهت جلوگیری از صادرات نفت ایران، سوای تأثیرات زیان باری که بر اقتصاد ایران وارد خواهد نمود، در نهایت باعث مستحکم تر شدن رژیم و تقویت حمایت وسیع مردمی از آن خواهد شد. ضمن اینکه ایران نیز با حمله به سایر کشتی های نفتکش خلیج